

نقد و بررسی دیدگاه ابن تیمیه در مورد حدیث غدیر

آمنه حسن^۱

چکیده

ابن تیمیه حرانی کتاب منهاج السنه را در پاسخ به مطالب کتاب منهاج الكرامه علامه حلی دانشمند شیعه نوشت و در آن دلایل و شواهد ولایت امیرالمومنین علیه السلام از نظر شیعه را رد کرد. این مقاله درصدد آن است که بعد از بررسی مفهوم حدیث غدیر و معرفی ابن تیمیه و کتاب منهاج السنه او، اشکالات این تیمیه بر حدیث غدیر را در دو محور اشکالات سندی و دلالی با مراجعه به دیدگاه دانشمندان شیعه و سنی بررسی و آنها را به روش تحلیلی توصیفی نقد کند. نتیجه آن که ابن تیمیه سند حدیث غدیر را با دلایلی مثل روایت نشدن حدیث در صحیحین و عدم روایت حدیث توسط ثقات مورد تردید می داند و حتی در ادعایی بالاتر این حدیث را ساختگی و دروغی معرفی می کند. او همچنین دلالت حدیث غدیر بر ولایت امیرالمومنین را با نشانه هایی مثل عدم اجابت دعای پیامبر در غدیر، رد می کند و با انکار حدیث غدیر و دیگر فضایل امیرالمومنین در کنار پیامبر سعی در اثبات فضیلت خلفا دارد.

کلید واژه ها: منهاج السنه ، ابن تیمیه حرانی، غدیر، سند حدیث غدیر، دلالت حدیث غدیر

^۱ . طلبه کارشناسی علوم قران و حدیث جامعه المصطفی واحد آشتیان، کد: ۱۵۹۷۷۰۴

مقدمه:

غدیر خم مکانی است میان مکه و مدینه که حضرت محمد (ص) در ۱۸ ذی الحجه سال ۱۰ هجری قمری، در حجه الوداع در آن، علی بن ابی طالب را «مولای» مومنان اعلام کرد. حدیث غدیر یه یکی از فرازهای مهم از «خطابه» پیامبر اکرم در روز غدیر گفته می شود که فرمود «من کنت مولاه فهذا علی مولاه». عکس العمل دانشمندان نسبت به حدیث غدیر به عنوان یکی از مهم ترین دلایل ولایت امیرالمومنین علیه السلام متفاوت است. برخی از علمای اهل سنت، واقعه غدیر خم را با جزئیات کامل به عنوان یک ماجرای حتمی روایت کرده اند، ولی برخی دیگر از این علما سند حدیث غدیر خم را ضعیف و غی ر قابل اسناد می دانند. بعضی از دانشمندان این حدیث را روایت کرده اند، ولی در صحت آن اشکال کرده اند. همچنین از برخی از علما نقل شده که این حدیث ضعیف است. ابن تیمیه از جمله علمای بزرگ اهل سنت است در دلالت حدیث غدیر تشکیک کرده اند و درباره سند آن هم اشکالاتی وارد کرده است. این مقاله درصدد آن است که دیدگاه ابن تیمیه به عنوان یکی از علمای بزرگ اهل سنت درباره غدیر را با استفاده از دلایل و مدارک دانشمندان بزرگ شیعه و سنی بررسی نموده و آن را نقد کند. در این راستا به بررسی مفهوم حدیث غدیر پرداخته و ابن تیمیه و کتاب منهاج السنه که مهم ترین اثر او درباره امامت امیرالمومنین است را معرفی می نماید. سپس در دو محور اشکالات سندی و دلالی ابن تیمیه بر حدیث غدیر نظرات او درباره حدیث غدیر را نقل کرده و به ارائه جواب علمای شیعه درباره این اشکالات می پردازد.

شرح واژگان

حدیث غدیر:

« غدیر در لغت به معنی گودال آب است که بعد از گذشتن سیل بر جای می ماند و به زودی خشک می شود. این کلمه بر وزن فعیل به معنی مفعول است یعنی بر جای مانده، مغدور یا فعیل به معنی فاعل است یعنی حمایت کننده (غادر و غدار (چون در وقت حاجت خشک می شود و به تشنگان خیانت می کند. «غدیر خم» واحه یی در سه میلی جحفه است که قبایل خزاعه و کنانه در زمان جاهلیت در آن جا منزل می کردند. خم به معنی بدبوست، گویند هوای غدیر خم آن قدر ناسازگار است که هیچ کودکی در آن تا سن بلوغ زنده نمی ماند مگر آن که به جایی دیگر برود. جحفه بر وزن غرفه، آبادی است در اراضی ساحلی حجاز در جنوب شرقی رابغ بین مکه و مدینه، بین خلی ص و بدر که به بدی آب و هوا شهرت دارد. این محل، میقات حاجیان شام و مصر و عراق بود که از راه دریا به حجاز می رسیدند؛ ولی امروز متروک است و حاجیان در منزل رابع احرام می بندد. در سال ۱۰ هجری قمری، پیامبر عازم حج شد. این حج که در آخرین سال عمر ایشان انجام شد، بعدها حجه الوداع نام گرفت. پس از اتمام حج، مسلمانان از مکه خارج شدند و در ۱۸ ذی الحجه به منطقه خم رسیدند.^۱ زمانی که کاروان حج پیامبر به این منطقه رسید، جبرئیل فرشته وحی، آیه تبلیغ را بر حضرت نازل و ایشان را مأمور به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب (ع) کرد.^۲ کاروانیان به دستور حضرت توقف کردند. دیگران نیز به آنان پیوستند. پس از نماز ظهر، منبری آماده کردند و حضرت خطبه ای خواند و در آن به مردم گفت که خیلی زود از میان آنان خواهد رفت. ایشان همچنین درباره دو چیز گرانبهایی که در میان آنان به امانت نهاده است و نیز درباره ولایت و اولویت خویش بر

۱- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۸.

۲- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۲.

مؤمنان سخن گفت^۱ آنگاه دست علی را بالا برد و فرمود: «هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست». سپس در حق دوستان علی دعا و در حق دشمنانش نفرین کرد.^۲

ابن تیمیه:

ابن تیمیه فقیه، محدث، مدافع مذهب منصوب به سلف و الهام بخش عقیدتی وهابیت بوده است. تنوع فعالیت ها و شیوه رفتار خاصش در امور سیاسی و برخورد سختگیرانه با پیروان مذاهب اسلامی او را به شخصینی چالش برانگیز تبدیل کرده است و دو مواجهه کاملاً متفاوت پدید آورده است؛ از طرفداری سر سختانه توسط کسانی مانند ابن کثیر دمشقی، ابن قیم جوزیه و وهابیان در دوره معاصر تا مخالفان سرسخت از علمای بارز مذاهب اسلامی. افزون بر این آرای او درباره زیارت قبور و تبریک و توسل، شفاعت، مبنای نگرش وهابیان در اداره امور حرمین قرار گرفته است. هرچند آرای تندروانه ابن تیمیه درباره موضوعات پیش گفته و نیز نگرش تعصب آمیزش به مذاهب اسلامی، نقش یک مؤسس را در جریان سلفی به وی داده است؛ پیش از وی نیز شخصیت هایی چون عزابن عبدالسلام و محمد بربهاری (م ۳۲۹ق) و برخی حنبلیان تند و چنین دیدگاه های داشته اند.

وی را با القابی چون مفسر، رجالی، حافظ، م فقی، ادیب و لغتشناس و آگاه از کلام، ملل و نحل، تاریخ و اصول در کنار اوصافی چون زاهد و شجاع ستوده اند. وی تندخو بود و در برابر مخالفان خود پر خاش می کرد. از قریحه شعر و حافظه قوی برخوردار بود. خاندان وی بیش از یک قرن از دانشمندان دینی به شمار می آمدند. محمد بن خضر

^۱ - فیروز ابادی، مجدالدین، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۰۹۰؛ ابن هشام، سیره، ج ۲، ص ۶۰۱

^۲ - کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۲.

^۳ - ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۷، ص ۹۳۴.

(م، ۶۲۲ق) جد اعلاى وی از دانشمندان حنبلى مذهب و نخستین فرد ملقب به ابن تیمیه بود که سبط بن جوزى (م، ۶۵۴ق) او را فردى انحصار طلب خوانده که در آن خطه مجال فعالیت به هیچ دانشورى نمی داد. درباره سبب نام گذاری مادر وی به تیمیه دیدگاه هایی چند وجود دارد. ابن عبدالهادی او را از کسانی می داند که در همه علوم زمان خود سرآمد بوده است؛ در تفسیر پرچمدار بئده، در فقه به غایت فقاہت رسیده است و صاحب علم حدیث و آگاه به نحل و ملل بوده است. او در همه فنون و علوم به نهایت دانایی رسیده و چشمی مثل او را ندیده است»^۱.

منهاج السنه النبويه:

منهاج السنه النبويه فی در کلام الشيعه والقدریه کتابی به زبان عربی نوشته ابن تیمیه حرانی (م ۷۲۸ق)، از فقهای حنبلی در قرن هفتم هجری و یکی از نظریه پردازان سلفیه. او این کتاب را در رد بر کتاب منهاج الکرامه فی معرفه الامامه نوشته علامه حلی (۶۴۸ق- ۷۲۶ق) فقیه و متکلم شعیه تألیف کرده است.^۲ این کتاب بر اساس مبانی ظاهر گرایی سلفیه تدوین شده است. نگاههای نقادانه ابن تیمیه به مبانی کلامی شیعیه در این کتاب گاه با ادعاهای بی اساس و توهین همراه است تا آن جا که در چارچوب این شیوه تلاش کرده منزلت امام علی (ع) را مورد تردید قرار دهد و جایگاه وی در میان مسلمانان را تضعیف نماید. روش ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه موجب شده تا عده ای از علمای

^۱ - ابن عبد الهادی ، العقودالدريه من مناقب شیخ الاسلام احمد بن تیمیه، ج ۱، ص ۲۶ : « فألفيته ممن أدرك من العلوم حظا وكاد يستوعب السنين والاثار حفظا إن تكلم في التفسير فهو حامل رايته أوافتي في الفقه فهو مدرک غايته أذاكر بالحديث فهو صاحب علمه وذو رواى ته أو حاضر بالنحل و الملل لم ير أوسع م ن نحلته في ذلك ولا أرفع من درايته برز في كل فن على أبناء جنسه ولم تر عين من راه مثله ولا رأيت عينه مثل نفسه... »

^۲ . عسقلانی، ابن حجر، لسان الميزان، ج ۳، ص ۲۱۵.

اهل سنت از بی انصافی و شدت توهین او به طرف مقابلش انتقاد کنند. از آنجا که کتاب منهاج السنه به عنوان یکی از مهمترین آثار ابن تیمیه به شمار میرود، در میان جریانهای سلفیه ویژه و هابیت مورد استفاده قرار گرفته است. در دوران معاصر شخصیت های وهابی نظی ر بن باز بر این کتاب شرح زده اند.^۱

اشکالات سندی ابن تیمیه بر حدیث غدیر

۱. نبودن جمله « من كنت مولاه فعلى مولاه » در صحاح

ابن تیمیه موجود نبودن جمله معروف « من كنت مولاه فعلى مولاه » در صحیحین را به عنوان اشکالی در حدیث غدیر مطرح می کند. او در این باره میگوید: « اگر چه حدیث «من كنت مولاه فعلى مولاه» را برخی علما نقل کرده اند، ولی این جمله در صحاح نیامده است. به همین جهت، مردم در صحت آن اختلاف کرده اند...»^۲

جواب اشکال:

علامه امینی کامل ترین جواب را به این اشکال ابن تیمیه ارائه کرده است. ایشان در بحثی مفصل دلایل متعددی برای اثبات صحت سند حدیث غدیر ارائه کرده و در پایان، گفتار خود را این چنین جمع بندی می کند: « این حدیث صحیح و مشهور است و پیرامون صحت آن سخن نگفت مگر متعصب انکار پیشه که بسخن او اعتباری نیست ... این حدیثی است که صحت آن مورد اتفاق همگانی است، و اینکه صدر حدیث متواتر است، و متیقن است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این سخن (من كنت مولاه) را فرموده و ذیل حدیث (اللهم وال من والاه...) عبارتی است که اسناد قوی است.. این

^۱ - رک به بن باز، شرح منهاج السنه .

^۲ - ابن تیمیه، منهاج السنه النبویه، ج ۷، ص ۱۹۳: « وأما قوله من كنت مولاه فعلى مولاه فليس هو فى الصحاح لكن هو مما رواه العلماء و تنازع الناس فى صحته...»

حدیث مشهور است و دارای طرق بسیار زیادی است رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را در حق علی علیه السلام فرموده... این حدیث متواتر است از پیغمبر صلی الله علیه و آله و از امیرالمومنین نیز متواترا رسیده و آن را گروه بسیار از راویان و محدثین روایت نموده اند، و اعتباری نمی توان قائل شد برای کسی بدون آگاهی و تسلط در علم حدیث نسبت بحدیث مزبور که اسناد ضعیف داده و... این حدیث صحیح است و شکی که منافی آن باشد در آن نیست و سخن کسی که در پیرامون صحت آن تردید کرد در خورد توجه و التفاتی نیست، و همچنین سخن کسی که جمله بعدی **اللهم وال من والله...** را زیاده دانسته و آنرا نفر نموده قابل اعتنا نخواهد بود! ^۱

سایر دانشمندان نیز به وجود این عبارت در حدیث غدیر تصریح دارند. به عنوان مثال حبشی بن جناده می گوید: «در غدیر خم از رسول خدا شنیدم که می فرمود: اللهم من»

۲. طعن و تضعیف و عدم وثاقت رجال حدیث

ابن تیمیه با تصنیف سندی روایت مدعی است که چون جمله «من كنت مولاه و علی مولاه» از طریق ثقات نقل نشده است، نمی توان به این روایت اعتماد کرد. او می گوید:»

^۱ - امینی، عبدالحسین، الغدير، ج ۲، ص ۲۴۶: «إنه حدیث مشهور كثير الطرق جدا... لكن بين ثنايا العصبية ومن وراء ربوات الأحقاد حثالة حدی بهم الانحياز عن مولانا أمير المؤمنين (صلوات الله عليه) الى تعكير هذا الصفو و اطلاق تلك الطمأنينة بكل جلبه و لغط، فمن منكر صحت صدور الحدیث معللا بأن عليا كان باليمن و ما كان مع رسول الله في حجته تلك. إلى آخر ينكر صحة صدر الحدیث ويقول: لم يروه أكثر من رواه إلى ثالث يضعف ذيله ويقول لاريب أنه كذب. و رابع يطعن في أصله و يعتبر الدعاء الملحق به ويقول: لم يخرج غير أحمد إلا الجزء الأخير من قوله (صلی الله عليه وسلم) اللهم؟ وال من والله... إلخ.

اشخاص مثل بخاری، ابراہیم حربی و طائفه ای از اهل علم در این حدیث طعن وارد کرده اند و ثقات نیز آن را نقل نکرده، بلکه ترمذی آن را ضعیف شمرده است^۱.

جواب اشکال:

علامه امینی با ارائه طرق مختلف و معتبر حدیث غدیر با راویان ثقه، معتبر و متواتر بودن حدیث غدیر را ثابت کرده اند. ایشان نام ۳۶۰ نفر از علمای بزرگ اهل سنت از قرن دوم تا قرن چهاردهم را بیان می کند که در کتاب های خود حدیث غدیر را ذکر کرده اند و این حدیث جلیل القدر را به نقل از اصحاب و تابعان در کتابهایشان به ثبت رسانده و آن را توثیق کرده اند.^۲

برخی علمای اهل سنت به صراحت گفته اند که این حدیث متواتر است. ذهبی درباره حدیث غدیر می نویسد: «این حدیث در بالاترین درجه صحت و اعتبار قرار دارد و از احادیث متواتر است»^۳. ابن حجرهیثمی معتقد است که این حدیث صحیح است و هیچ شبهه ای در آن نیست. کسانی مانند ترمذی، نسائی، احمد بن حنبل نیز آن را با سند صحیح نقل کرده اند. طرق نقل این حدیث بسیار زیاد است. از جمله اینکه ۱۶ صحابی آن را نقل

^۱. ابن تیمی، منهاج السنه النبویه، ج ۷، ص ۳۲۰: «نقل عن البخاری و ابراهیم م الحربی و طائفه من أهل العلم الحدیث، أنهم طعنوا فیہ و ضعفوه الترمذی. و قد صنف ابوالعباس ابن عقده مصنفاً فی جمع طرقه.»

^۲ - امینی، همان، ج ۱، صص ۰۳۱-۰۲۴.

^۳ - ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۳۳۵. الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم، المعجم الكبير، ج ۴، ص ۱۶، ح ۳۵۱۴. وقد عرفت تواتر الجميع ولا اتفاق علی صحته و نصوص العلماء علی اعتبار هذه كلها، غير أبهين بكل ما هناك من الصخب واللغب، فالأجماع قد سب ق المهملجين و لحقهم حتى لم يب ق لهم في مستوى الإعتبار مقيلاً. وهناك من يقول تارة: إنه لم يروه علماءنا [۵] وأخرى: إنه لا يصح من طرى ق.»

کرده اند. او پس از بیان این مطالب در تواتر و صحت حدیث غدیر می گوید: «نباید به کسانی که در صحت این حدیث شبهه وارد می کنند اعتنا کرد»^۱. علامه امینی در جمع بندی بحث از تواتر حدیث غدیر می نویسد: «گروههای بسیار از علماء امت و حفاظ حدیث و روساء مذهب سنت و جماعت که حدیث غدیر را روایت کردند و با اطمینان و سکوت خاطر آنرا صحیح تلقی نمودند، و بر گروه دیگر که در قبال هر گونه شک و ریب نسبت بان دفاع و هواداری کردند و بصحیح بودن اسنادهای زیادی از طرق حدیث مزبور و حسن بودن طرق دیگر و قوی بودن اسناد بعضی دیگر از طرق حدیث حکم نمودند، و در این زمینه گروهی از بزرگان علماء بمتواتر بودن حدیث مزبور حکم نموده اند و آنها را که منکر این معنی شده اند مورد انتقاد و سرزنش قرار داده اند... یکصد و ده تن از صحابه، حدیث غدیر را روایت نموده اند... حافظ سجستانی حدیث مزبور را از یکصد و بیست تن از صحابه روایت نموده و... از حافظ ابوالعلاء همدانی نقل شد که نامبرده حدیث مذکور را بدویست و پنجاه طریق روایت کرده، و بر همین مقیاس است روایت تابعین و آنها که متاخرتر از آنانند... و با این کیفیات در احادیث وارده از رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز حدیثی را نخواهید یافت که باین مرتبه از ثبوت و یقین و تواتر رسیده.»^۲

با وجود تواتر حدیث غدیر جای تعجب است که چگونه این تیمیه این روایت را تضعیف و تکذیب می کند. بویژه آن که فقها انکار خبر متواتر را مساوی با تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آن را کفر دانسته اند. زیرا معتقدند که خبر متواتر به منزله خبر شنیده شده از پیامبر

^۱ ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، ج ۱، صص ۶۱۰-۱۰۷.

^۲ -امینی، همان، ج ۱، صص ۵۸-۴۱۷.

است و تکذیب چنین خبری در حکم تکذیب پیامبر و دروغگو دانستن ایشان است معاذ الله.^۱

۳. جعلی و دروغ بودن حدیث غدیر

ابن تیمیه در ادعایی بالاتر حدیث غدیر را دروغی ساختگی توسط شیعیان می داند که دلیل موجهی نزد علما ندارد. او در توضیح ادعای خود می نویسد: « رافضی ها می گویند: (سومین دلیل این است: امروز دین شما را تمام کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را بر ای شما برگزیدم. ابونعیم با سلسله خود روایت می کند که از ابوسعید خدری نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به غدیر خم فرا خواند و دستور داد آنچه را که در زیر درختان است بردارند، پس برخاست و علی را صدا زد. ساعدهای او را گرفت و بلند کرد تا مردم به سفیدی زیر بغل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نگریستند. هنوز متفرق نشده بودند که این آیه نازل شد. الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا. این آیه که نازل شد پیامبر ندا دادند الله اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه و رضا الرب برسالتی و بولایت علی من بعدی. سپس فرمودند: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. این حدیث بر اساس توافق مردم با علم به مباحث، دروغی ساختگی

^۱ - بخاری ، عبدالعزيز بن احمد، كشف الاسرار عن اصول فخر الاسلام البزدوی، ج ۲، ص ۵۳۵: « إنكار المتواتر فإنه يؤدي إلى تكذيب الرسول عليه السلام إذ المتواتر بمنزلة المسموع منه وتكذيب الرسول كفر».

است و این را اهل علم حدیث با رجوع به آنها در آن می دانند و لذا در هیچ یک از احادیث چنین نیست. کتب حدیثی که اهل علم حدیث به آنها مراجعه می کنند.^۱

جواب اشکال:

مراجعه به منابع مشخص می کند که آنچه ابن تیمیه گفته، خود از زشت ترین دروغهاست. چرا که این حدیث با عبارت " من كنت مولاه فعلى مولاه " در بسیاری از کتاب های معتبر نقل شده است. همچنان که گفته شد: «ترمذی و نسائی با طرق های خیلی زیادی آوردند، که آن طرق و راه ها را ابن عقده در کتاب مفرد خود آورده که تعداد کثیری از سند های آن صحیح و حسن هستند...همیشی فصلی را برای حدیث در مجمع اختصاص داده است و آن را " باب قوله صلى الله على اله وسلم من كنت مولاه فعلى مولاه " نامیده است، می گوید: از رباح الحارث نقل شده است که گفت: گروهی نزد علی در الرحبه آمدند و گفتند: سلام بر تو ای سرور ما. امام علی علیه السلام فرمود: چگونه مولای تو باشم، در حالیکه شما مردم عرب هستید؟ گفتند: از رسول خدا صلی الله علیه و آله - در

۱ . منهاج السنه النبویه فی الرد علی الشیعۀ والقدریۀ- ابن تیمیۀ - ج ۴ - ص ۲۳ : « قال الرافضی (البرهان الثالث قوله تعالى اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام دينا (روى أبو نعیم یاسنادہ إلى أبی سعید الخدری أن النبى صلی الله علیه - وآله - وسلم دعا الناس إلى غدیر خم وأمر بإزالة ما تحت الشجر من الشوك فقام فدعا علیا فاخذ بضبعیه فرفعهما حتى نظر الناس إلى بیاض إبطی رسول الله صلی الله علیه - وآله - وسلم ثم لم يتفرقا حتى نزلت هذه الآية)اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام دينا(فقال رسول الله صلی الله علیه - وآله - وسلم الله: اكبر على إكمال الدين وإتمام النعمة ورضا الرب برسالتی وبالولاية لعلى من بعدی ثم قال: من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله... أن هذا الحديث من الكذب الموضوع باتفاق أهل المعرفة بالموضوعات وهذا يعرفه أهل العلم بالحديث والمرجع إليهم فى ذلك ولذلك لا يوجد هذا فى شىء من كتب الحديث التى يرجع إليها أهل العلم بالحديث»

روز غدیر خم شنیدیم که می فرمود هر که من مولای او هستم، این مولای اوست، رباح گفت: وقتی رفتند، به آنها اقتدا کردم. و گفتم: اینها کیستند؟ گفتند اینها نفراتی از انصار هستند که بین آنها ابو ایوب انصاری هم هست. احمد و طبرانی روایت کرده اند، جز اینکه گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدیم که می فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. « پس می بینیم چیزی از قول ابن تیمیه باقی نمانده است اینکه گفت: «این حدیث به توافق اهل علم، دروغ ساختگی است و این را اهل علم به حدیث و رجوع به آنها در آن می دانند. و لذا در هیچ یک از کتب حدیثی که اهل علم به آن مراجعه می کنند، این مطلب یافت نمی شود.» ما می بینیم که اجماعی از طرف اهل علم و معرفت یافت نشد و او را نمی بینم جز اینکه با آن به خود اشاره کند! ^۱

اشکالات دلالی ابن تیمیه بر حدیث غدیر

۱. انکار فضائل علی در حدیث غدیر

ابن تیمیه برای آن که فضل خلفا را ثابت کند، با دلایل عجیبی دلالت حدیث غدیر در وجوب ولایت امیر المومنین و بسیاری از روایات افضلیت امام علی علیه السلام را انکار می کند. او می نویسد: «از شیخ اسلام رحمه الله درباره مردی سؤال شد که به سنت پایبند است و به ترجیح سه گانه بر علی مشکوک می شود، زیرا پیامبر به او فرمود: تو از من هستی و من از تو و فرمود: تو برای من چنان هستی که هارون برای موسی بود و گفتارش: من معیار را به مردی که خدا و رسولش را دوست دارد.. و غیره و گفتارش: هر که من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا! با هر که با او دوستی کند دوستی کن و با کسی که با او دشمنی کند دشمنی کن.. و غیره. پس جواب داد: لازم است اول این را بدانیم که فضیلت موقعی برای فاضل ثابت است، وقتی در مفضول مثل آن یافت

^۱العقیلی، عبدالرحمن، روش شناسی سنت محمدی فی ردیه منهج ابن تیمیه، جلد: ۲، ص ۲۳۶.

نشود. وقتی کسی در فضائل منفرد باشد به او افضل گفته می شود. اما اموری که مشترک باشند موجب فضیلت نمی شوند. باین ترتیب فضائل صدیق (ابوبکر) طوری است که غیر او در آنها شریک نیست؛ درحالیکه فضائل علی مشترک است. و آن فضائلی که ابوبکر در آن منفرد است اینها است که پیامبر فرمود: اگر از اهل زمین کسی را دوست انتخاب کنم، ابوبکر را دوست انتخاب میکنم. واینکه گفت در مسجد دری باقی نمی ماند که بسته شود جز در ابوبکر. و فرموده ایشان: ابوبکر در صحبت و در ذات امین ترین مردم است. این سه تا از خصائصی است که هیچ کس در آنها با ابوبکر شریک نیست. و بعضی دروغگویان خواستند احادیث مثل این را برای علی نقل کنند. خصوصیت دوم اینکه اگر ممکن شود پیامبر کسی را دوست خود کنند هیچ کس جز ابوبکر مستحق آن نیست.

و اگر غیر او افضل از او بود در دوست شدن پیامبر مستحق تر بود....»^۱.

^۱ . ابن تیمیة ، أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی، مجموع فتاوی ابن تیمیة، ج ۴، ص ۴۱۴: « سئل شیخ الإسلام رحمه الله تعالى عن رجل متمسك بالسنة ويحصل له ريبه في تفضيل الثلاثة علي علي، لقوله - عليه السلام - له: (أنت مني وأنا منك)، وقوله: (أنت مني بمنزلة هارون من موسى)، وقوله: (لأعطين الراية رجلا يحب الله ورسوله. . إلخ) وقوله: (من كنت مولاه فعلي مولاه)، (اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. . إلخ)، وقوله: (أذكركم الله في أهل بيتي)، وقوله سبحانه: {هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ {الآية} (الإنسان: ۱). وقوله: {هَذَا نِ حَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ} (الآية) (الحج: ۱۹). {فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ} (الآية) (آل عمران: ۶۱) فَأَجَاب: يجب أن يعلم أولًا: أن التفضيل إذا ثبت للفاضل من الخصائص ما لا يوجد مثله للمفضول، فإذا استويا وانفرد أحدهما بخصائص كان أفضل، وأما الأمور المشتركة فلا توجب تفضيله على غيره. وإذا كان كذلك، فضائل الصديق التي تميز بها لم يشركه فيها غيره، وفضائل عليّ مشتركة، وذلك أن قوله: (لو كنت متخذًا من أهل الأرض خليلًا لاتخذت أبا بكر خليلًا)، وقوله: (لا يبقى في المسجد خوذة إلا سُدَّتْ، إلا خوذة أبي بكر)

جواب اشکال:

بیان این دلیل از طرف ابن تیمیه نشان دهنده بغض و کینه او نسبت به امیرالمومنین و نهایت تلاشش برای انکار فضایل ایشان است. این کلام آنقدر زشت و بی پایه و غیر منطقی است که نیاز به جوابی ندارد. ابن تیمیه با این کلامش تمام خصوصیات و فضائل را از مضمون خودشان تهی کرد... در این صورت نزد ابن تیمیه برای هیچ کس فضیلتی که آنها بر دیگران داشته باشند، باقی نمی ماند...^۱ «و راست فرمودند امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام: اگر با این شمشیرم به بینی مؤمن بزنم که با من دشمن شود دشمنی نخواهد نمود، و اگر همه کالای دنیا را بر سر منافق بریزم که مرا برآستی دوست دارد دوست نخواهد داشت.»^۲

۲. عدم اجابت دعای پیامبر نشانه رد حدیث غدیر

این تیمیه در اشکال عجیب دیگری می گوید که اگر دعای (اللهم انصر من نصره و اخذل...) در روز غدیر از پیامبر باشد با توجه به اینکه ایشان مستجاب الدعوه هستند، باید اجابت می شد. از آنجا که بسیاری از اصحاب و مسلمانان به امیرالمومنین تولی نکردند، پس این دعا از پیامبر نیست!! او این ادعا را این گونه توضیح می دهد:

وقوله: (إن أمنَّ الناس علی فی صحبته وذات یده أبو بکر) وهذا فیه ثلاث خصائص لم یشرکه فیها أحد: الأولى: أنه لیس لأحد منهم علیه فی صحبته وماله مثل ما لأبی بکر. الثانية: قوله: (لا یبقی فی المسجد... إلخ)، وهذا تخصیص له دون سائرهم، وأراد بعض الکذابین أن یروی لعلی مثل ذلك، والصحیح لا یعارضه الموضوع. الثالثة: قوله: (لو كنت متخذاً خلیلاً) نص فی أنه لا أحد من البشر استحق الخلة لو أمكنت إلا هو، ولو كان غیره أفضل منه لكان أحق بها لو تقع...»

۱- عقیلی، همان، ج ۲، ص ۲۴۵

۲- القاضی النعمان المغربی، شرح الأخبار، ج ۱، ص ۶۳۱.

«دعای پیامبر مستجاب است و می بینیم این دعا به اجابت نرسیده، پس معلوم می شود دعای پیامبر نبوده. چرا که معلوم است که وقتی علی علیه السلام حکومت را به دست گرفت، صحابه و بقیه مردم بر سه گروه تقسیم شدند. ی ک گروه با او شدند، گروهی با او جنگیدند و گروهی دیگر با هیچ گروهی شرکت نکردند، نه گروهی که با او بود و نه گروهی که علیه او بود. و اکثر صحابه از سابقین اولین از کسانی بودند که با هیچ گروهی نبودند و کنار کشیدند.

و این هم گفته شده است که بعضی از سابقین اولین نیز با علی علیه السلام قتال کردند که ابن حزم ابوالغادیه را ذکر کرده که عمار ابن یاسر را قتل کرد. و ابوالغادیه از سابقین است که تحت الشجره بیعت کرد. و کسانی که تحت الشجره بیعت کردند در صحیحین ثبت شده که هیچ کدام از آنها داخل آتش جهنم نمیروند.^۱

جواب اشکال:

^۱ . ابن تیمیة الحرانی، منهاج السنه النبویه، ج ۷، ص ۵۵ - ۵۹: «أن دعاء النبي صلى الله عليه - وآله - وسلم مجاب وهذا الدعاء ليس بمجرب فعلم انه ليس من دعاء النبي صلى الله عليه - وآله - وسلم فإنه من المعلوم انه لما تولى كان الصحابة وسائر المسلمين ثلاثة أصناف صنف قاتلوا معه وصنف قاتلوه وصنف قعدوا عن هذا وهذا وأكثر السابقين الأولين كانوا من القعود وقد قيل أن بعض السابقين الأولين قاتلوه وذكر ابن حزم أن عمار بن ياسر قتله أبو الغادية وأن أبا الغادية هذا من السابقين ممن بايع تحت الشجرة وأولئك جميعهم قد ثبت في الصحيحين انه لا يدخل النار منهم أحد ففي صحيح مسلم وغيره عن جابر عن النبي صلى الله عليه - وآله - وسلم انه قال (لا يدخل النار أحد بايع تحت الشجرة) وفي الصحيح أن غلام حاطب بن أبي بلتعنه قال: يا رسول الله ليدخلن حاطب النار. فقال: كذبت انه شهد بدرًا والحديبية»

اولاً: این سخن ابن تیمیه در حقیقت انکار سنت قطعی و ثابت رسول خدا است؛ چرا که جمله «اللهم انصر من نصره واخذل من خذله» با سندهای معتبر و صحیح در منابع اهل سنت نقل شده است.

ثانیاً: ابن تیمیه با استدلال کردن توسط عدم نصرت الهی برای امام این حدیث را تکذیب کرد. در حالی که این منطق صحیحی نیست و با سایر حوادث تاریخی زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله مطابقت ندارد: «پس ما به آنها میگوییم: خداوند می فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا»^۱ ولی میبینیم که پیامبر در جنگ احد شکست خوردند، پس کجاست این قول خداوند که می فرماید؛ خدا شما را به عنوان هادی و مددکار کافی است؟!»

و همچنین خداوند می فرماید: وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا أَفَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا». خداوند که به کسانی که خون عثمان را در جنگ جمل مطالبه کردند کمک نکرد که، پس معلوم می شود قتل او برحق بوده. این نتیجه ای هست با بنا بر استدلال ابن تیمیه در آوردیم... پس از اینجا مرض درک و فهم ابن تیمیه معلوم می شود.^۲

بنابراین اگر کسی بخواهد با معیارهای ابن تیمیه و همفکران او، مسائل اسلامی و واژه های قرآنی را بررسی کند، اصلاً عجیب نیست که بگوید این دعای رسول خدا به اجابت نرسیده است؛ چرا که اساساً معیار ابن تیمیه و همفکران او با معیارهای قرآنی و الهی تفاوت اساسی دارد. از دیدگاه ابن تیمیه، هرکس در میدان جنگ بر دیگری غلبه ظاهری پیدا کرد، سربازان دشمن را کشت و بر امور مردم مسلط شد، پیروز میدان لقب گرفته و

^۱ - سوره فرقان، آیه ۰۳.

^۲ - عقیلی، همان، ج ۲، ص ۲۴۶.

خداوند این شخص را نصرت و یاری کرده . این سخن ابن تیمیه ثابت میکند که او با مفاهیم و معانی قرآن و واژه های سنت نبوی ، کاملاً بیگانه است و معنای «نصرت و خذلان» را از دیدگاه قرآن درک نکرده و فقط معنای لغوی آن را که همان پیروزی و غلبه ظاهری ، سلطه بر امور مردم ، ظلم و ستم ، کشتن نیکان و ... باشد فهمیده است ؛ از این رو ، طبیعی است که با معیارهای ابن تیمیه و همفکران او ، معاویه پیروز میدان جنگ لقب بگیرد و امیرمؤمنان و پیروان آن حضرت شکست خورده میدان است. اما خداوند ، نصرت و یاری را همواره از آن انبیاء الهی علیهم السلام و خذلان و خواری را سرنوشت همیشگی دشمنان آنها میداند . با آن که اکثر انبیاء از دشمنان خود در ظاهر شکست خورده و حتی جان خود و بسیاری از یاران و پیروان خود را از دست داده اند ؛ اما خداوند آنها را پیروز حقیقی میداند و در باره نصرت پیامبران خود م یفرماید: *إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ* ^۱.

با توجه به آن چه گذشت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در دعای روز غدیر خود از خداوند میخواهد که نصرت و یاری الهی و ربانی خود را برای کسانی قرار دهد که امیر مؤمنان علیه السلام را یاری و با آن حضرت در مقابل دشمنانش ایستادگی میکنند ، و از آن طرف خذلان و خواری دنیوی و اخروی خود را نصیب کسانی نماید که در مقابل امیر مؤمنان ایستادند ، بیعت با او را شکسته و در صف دشمنان آن حضرت قرار گرفتند. جنگ امیر مؤمنان با ناکثین ، قاسطین و مارقین به دستور خداوند بود. بزار در مسند خود مینویسد: « علی فرمود : رسول خدا ، از من برای جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین پیمان گرفت .» ^۲

^۱ - سوره غافر، آیه ۱۵.

^۲ - البزار ، أبو بکر أحمد بن عمرو ، ج ۳ ، ص ۲۶- ۷۲ ، ح ۴۷۷ .

طبق آن چه از منطق قرآن دانستیم ، به این نتیجه میرسیم که امیرمؤمنان علیه السلام پیروز واقعی جنگهای سه گانه با ناکثین ، قاسطین و مارقین بوده و خداوند او و یارانش را نصرت و یاری کرده ؛ هر چند که در ظاهر معاویه توانسته باشد حکومت را به دست بگیرد ؛ چرا که امیرمؤمنان علیه السلام به دستور خدا و رسول او با آنها جنگیده است. تاریخ خود صادقترین گواه بر این مطلب است ؛ چرا که محبت امیرمؤمنان ، فکر ، عقیده و مرام او همواره در قلب مردم عالم جای دارد ، مرقد مطهر او ملجأ و پناهگاه عاشقان ، و یاران او مظهر وفاداری و جانبازی در راه اسلام شناخته میشوند ؛ اما با شنیدن نام بنی امیه چیزی جز سیاهی و تباهی ، ظلم و جنایت ، بی بند و باری و فساد در ذهن مردم جهان خطور نمیکند. و این خود بهترین دلیل بر استجابت دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله است .

نتیجه :

ابن تیمیه در تالیفات خود خصوصا در کتاب منهاج السنه با نقد دلایل ولایت و امامت امیرالمومنین سعی در رد اعتقادات شیعه دارد. او با بیان های مختلف، سند حدیث غدیر را مورد طعن و تضعیف می داند یا نبودن عبارت دعای پیامبر در این حدیث را نشانه عدم صحت آن معرفی می کند و حتی در ادعایی عجیب و برخلاف بسیاری از علمای اهل سنت، حدیث غدیر را دروغی و ساختگی می داند. اعترافات علما ودانشمندان نام آور اهل تسنن که در علم حدیث و رجال خبره فن هستند درباره حدیث غدیر اشاره به قرار داشتن دعای پیامبر در حق امام علی علیه السلام است که اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره واخذل من خذله. بعلاه آن که به تصریح بسیاری از علمای شیعه و سنی حدیث غدیر نه تنها متواتر و معتبر بلکه از جمله معتبرترین احادیث پیامبر در منابع است. این تیمیه اگرچه ادعای پیروی از آنها را دارد، اما به منابع پیشینیان در

حدیث غدیر بی توجه است. این رویکرد حتی باعث نقد عالمان بعد از او شده است. برخی اسناد صحیح حدیث را آورده اند و برخی به نقد آشکار او پرداخته اند. علاوه بر این که دروغی دانستن و انکار دعا در حدیث صحیح غدیر یا ادعای تضعیف و طعن آن، اولاً نشانه آشکار مخالفت و عداوت او با امام علی علیه السلام است و ثانیاً حاکی از عملکرد ناشیانه او در دفاع نابحق از صحابه در نبردهای صفین، نهروان و جمل است. تقطیع یا حذف حدیث غدیر شاید بتواند منجر به هدایت مردم به سوی اندیشه های سلفی شود اما نمی تواند چشم بر سایر اعترافات دانشوارن سنی بست. دعای پیامبر در غدیر در حق دوستداران امام علی علیه السلام و دشمن دانستن دشمنان امام علی علیه السلام عدالت صحابه را زیر سوال می برد یا حداقل مرزبندی مشخصی برای تعریف صحابه از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ترسیم می کند .

منابع:

۱. ابن تیمیه الحرانی ، أحمد عبد الحلیم أبو العباس (متوفای ۷۲۸ هـ) ، کتب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی ، ناشر : مکتب ء ابن تیمیة ، الطبعة : الثانية
۲. ابن تیمیة الحرانی ، أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم ، منهاج السنة النبویة ، تحقیق : د. محمد رشاد سالم ، ناشر : مؤسسه قرطبة ، الطبع ء : الأولى ، ۱۴۰۶هـ .
۳. ابن حجر هیثمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، بی نا، تهران، بی چ ا
۴. ابن عبد الهادی، العقودالدري ء من مناقب شیخ الاسلام احمد د بن تیمیه، قم : موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان ، ۱۳۸۷.

۵. ابنکثیر، البدایه و النهایه، تح قیق علی شیرى، بیروت، دار ا حیاء التراث.
۶. ابن هشام الحمیری، السیره النبویه، ناشر: ادی ب مصطفوی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۷. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنه و الأدب، ناشر: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۴.
۸. البزار، أب و بکر أحمد بن عمرو بن عب د الخالق (متوفای ۲۹۲ هـ)، البح ر الزخار (مسن د البزار)، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، ناشر: مؤسسه علوم القرآن، نکتبه العلوم و الحکم، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹.
۹. بخاری، عبدالع زیز بن احمد، کشف الاسرار عن اصول فخر الاسلام البزدوی، ناشر: دارالکت ب الاسلامی، الطبعة: الاولى، بی چا .
۱۰. الذهبی، شمس الدین محم د بن أحمد بن عثمان، (متوفای ۷۴۸هـ)، سیر أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۱۸۰، تحقیق: شعی ب الأرنأؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ناشر: مؤسسه الرساله - بیروت، الطبعه ۵: التاسعه، ۱۴۱۳هـ.
۱۱. الطبرانی، سلیمان بن أحمد بن آیوب أبو القاسم (متوفای ۳۶۰هـ)، المعجم الكبير، ج ۴، تحقیق: حمدی بن عبدالمجی السلفی، ناشر: مکتبه الزهراء، الموصل، الطبعة الثاني، ۱۴۰۴
۱۲. عسقلانی، ابن حجر، لسان المیزان، المحقق: دائره المعارف النظامیه - الهن د، الناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۰هـ

۱۳. عقیلی، عبدالرحمن، روش شناسی سنت محمدی فی ردیه منهج ابن تیمیه ، كربلاء: العتبه الحسينیه المقدسه. قسم الشؤون الفكریه والثقافی ه، الطبعة الأولى، ۱۴۳۵ق. = ۲۰۱۴م.
۱۴. عیاشی، تفسیر عیاشی، تحقیق رسولی محلاتی، تهران، مکتبه علمیه اسلامی، بی تا.
۱۵. الفيروزآبادی، مجد الدین أب و طاهر محمد بن یعقوب، تحقیق: مکتب الفيروزآبادی، مؤسسة الرسالة، بإشراف: محمد نعيم العرقسوسى، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان، الطبعة: الثامنة، ۱۴۲۶.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۱۷. المغربی، القاضی النعمان، شرح الأخبار، المطبعة: مؤسسة النشر الإسلامی، بی تا، چا، بی تا.
۱۸. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، بی تا.